



مروری بر ۳ پرونده جنایی خانوادگی که سر خط شان به شبکه های اجتماعی می رسد

قتل از نوع مجازی!

مجید حسین زاده

استفاده نادرست از فضای مجازی و شبکه های اجتماعی در موارد حاد می تواند به طلاق منجر شود و حتی گاهی ممکن است دست اعضای یک خانواده را به خون یکدیگر آلوده کند. هر چند باور این قضیه سخت است که فردی همسرش را به خاطر عضویت یا فعالیت بیش از حد در شبکه های اجتماعی به قتل برساند یا والدینی به خاطر آشنانیدن با آسیب های فضای

مجازی یا نداشتن نظارت بر رفتار فرزندشان شاهد کشته شدن، زندانی شدن یا مورد سوء استفاده قرار گرفتن او باشند، اما در ادامه این مطلب، بخشی از چند خبر حوادثی را می خوانید که در سال ۹۳ اتفاق افتاده است و دلایل ریشه ای این اتفاق های شوم به فضای مجازی و استفاده نادرست از آن ها برمی گردد که باعث نابودی یک خانواده یا رفتن آبروی آن ها می شود.

نحوه کشتن اباتماشای کلیپ هایی در فضای مجازی یاد گرفتم
زمان قتل: ۲۰ دی
شبکه اجتماعی مرتبط با این پرونده: فیس بوک

پسر جوان ۱۹ ساله که در پلیس آگاهی بازجویی شده بود، در اعترافات خود گفت: چند روز قبل از حادثه به خاطر یکسری دعوای خانوادگی نقشه قتل پدرم را کشیدم. ظهر روز حادثه کسی در منزل ما حضور نداشت و پدرم بیرون از منزل بود. من به دنبال پدرم رفتم و به او گفتم یکی از اقوام از شهرستان به منزل آمده است و با این ترند او را به منزل کشاندم. وقتی پدرم کسی را در خانه ندید به او گفتم هنوز نرسیده است حتماً می آید! پس از دقایقی پدرم خوابید و من که منتظر چنین فرصتی بودم، دمبل ۵ کیلو گرمی را برداشتم و ضرباتی به سر او وارد کردم. وقتی فهمیدم جان باخته است، جسد او را به سمت دستشویی کشاندم و با چاقو سرش را بریدم!! اما در همین حال مادر و دایی ام وارد منزل شدند که من از ترس فرار کردم. چند روز سرگردان بودم تا این که توسط پلیس دستگیر شدم. وی در پاسخ به این سوال کارآگاهان که چرا پدرت را این گونه به قتل رساندی؟ گفت: چون فیلم های جنایات منتشر شده در فضای مجازی را همیشه داندلدم می کردم، تحت تاثیر این فیلم ها قرار گرفته بودم. این کلیپ ها را یک گروه فیس بوکی به اشتراک می گذاشت و من مشتری پروپاقرص آن ها بودم. اگر چه همواره مادرم به خاطر تماشای این فیلم ها مرا سرزنش می کرد، اما من توجهی به اعتراض های او نداشتم.

منبع: سایت عصر ایران

زخم را گشتم چون از صبح ناشب چت می کرد
زمان قتل: ۲۹ دی
شبکه اجتماعی مرتبط با این پرونده: وایبر

مرد ۲۰ ساله در باره کشتن همسر ۲۰ ساله اش گفت: من و همسر همکار بودیم و در محل کار با هم آشنا شدیم. ۶ ماه از ازدواج و شروع زندگی مشترک مان نگذشته بود که اختلافات مان شروع شد. او مرتب با تلفن همراه اش مشغول چت کردن در وایبر بود. من مطمئن بودم که کاسه ای زیر نیم کاسه است. بارها با هم سر این موضوع دعوا کردیم، اما او می گفت که فقط با دوستانش چت می کند. در مدت ۶ ماه زندگی مشترک با همسر ۳ بار خانه را ترک کردم و قصد جدایی داشتم، اما هر بار همسر از من خواست تا او را ببخشم. او حاضر نشد خودش را اصلاح کند، از صبح تا شب پای وایبر بود و اصلاً اهمیتی به من نمی داد. دیگر تحمل این وضعیت بر ایمن غیر ممکن بود؛ بنابراین تصمیم گرفتم برای همیشه او را ترک کنم و طلاقش بدهم اما صبح روز حادثه به خاطر رفتار هایش با او درگیر شدم. او من و خانواده ام را تحقیر کرد. من هم یک دفعه کنترل لم را از دست دادم و چون به شدت از او کینه داشتم، دست به قتل او زدم.

منبع: خبرگزاری مهر

یکی از دوست پسر هایم، رقیبش را به خاطر خواهرم کشت
زمان قتل: ۲۸ مهر
شبکه اجتماعی مرتبط با این پرونده: لاین

دختر ۱۸ ساله ای که به همراه خواهر کوچک ترش در ماجرای «قتل» به پلیس آگاهی احضار شده بود، گفت: من دختر بزرگ خانواده هستم که به همراه خواهر و برادر کوچک ترم نزد مادرم زندگی می کنیم. سال گذشته وقتی دیدم دوستانم گوشی تلفن هوشمند خریده اند و در شبکه های اجتماعی به صورت گروهی با هم ارتباط دارند من هم تصمیم گرفتم یک گوشی هوشمند داشته باشم و برای این منظور دنبال بیهانه ای بودم تا این که به مادرم گفتم در منزل حوصله ام سر می رود و می خواهم از بازی های رایانه ای گوشی های هوشمند استفاده کنم اگر چه مادرم ابتدا مخالفت کرد، اما با اصرار من مجبور به خرید گوشی شد. از آن روز به بعد دیگر ساعت ها وار شبکه لاین می شدم و با دوستانم چت می کردم در این میان نیز با جوانی به نام میلاد آشنا شدم و مدام با یکدیگر چت می کردیم آن قدر درگیر تلفن همراه شده بودم که یک لحظه به خود آمدم و دیدم به دختری ضعیف، لاغر اندام و گوشه گیر تبدیل شده ام. به همین خاطر گوشی تلفنم را عوض کردم، اما دیگر نمی توانستم دوستی با پسران را فراموش کنم از آن روز به بعد، به همراه خواهر کوچک ترم و یکی دیگر از دوستانم به پارک نزدیک منزل مان می رفتیم و با خنده های بی جا و حرکات و رفتار ناشایست جلب توجه می کردیم یک روز در پارک با جوان ۲۲ ساله ای دوست شدم. تلفنی با یکدیگر ارتباط داشتیم تا این که روزی در پارک یکی از دوستان دوست پسر من شماره اش را به خواهرم داد. من هم که خودم درگیر دوستی های خیابانی بودم و می خواستم خواهرم نیز مانند من باشد تا به خاطر همین نقطه ضعف چیزی به مادرم نگوید، مانع او نشدم و به او کمک کردم تا با آن جوان دوست شود، اما ماجرای دوستی های خیابانی من و خواهرم در محل زندگی مان پیچید و پسران دیگر هم می خواستند با ما ارتباط برقرار کنند. در همین اثنا خواهرم با پسر دیگری نیز به صورت تلفنی ارتباط داشت و همین موضوع موجب درگیری دو پسر جوان شد که در این نزاع یکی از آن ها به قتل رسید و آینده مان نیز تباه شد، اگر چه الان از کارهای خودم پشیمانم اما باید روزی که وارد شبکه لاین شدم به عاقبت این گونه دوستی ها می اندیشیدم.

منبع: روزنامه خراسان

